

# تمدن اسلامی در جنوب آسیا



تاریخچه‌ای از قدرت و حضور مسلمانان  
در شبه‌قاره‌ی هند

بورجور آواری

مترجم: افسانه منفرد



# تمدن اسلامی در جنوب آسیا

تاریخچه‌ای از قدرت و حضور مسلمانان شبه‌قاره‌ی هند

بورجور آواری

ترجمه‌ی افسانه منفرد



نشر اختران

سرشناسه	آواری، بورجور، Avari, Burjur
عنوان و نام پدیدآور	تمدن اسلامی در جنوب آسیا- تاریخچه‌ای از قدرت و حضور مسلمانان در شبه‌قاره‌ی هند.
مشخصات نشر	تهران: اختران، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	ص. ۴۲۴. ۵/۱۶×۲۳/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۲۲۰-۰-۰
فهرست‌نویسی	فیپا.
یادداشت	فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <a href="http://opac.nlia.ir">http://opac.nlia.ir</a> در دسترس است
یادداشت	عنوان اصلی: Islamic civilization in south asia
شناسه افزوده	منفرد، افسانه، ۱۳۳۴ -، مترجم
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۹۲۸۵۱ :



نشر اختران

### تمدن اسلامی در جنوب آسیا

تاریخچه‌ای از قدرت و حضور مسلمانان در شبه‌قاره‌ی هند

بورجور آواری

مترجم: افسانه منفرد

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

لیتوگرافی پارسیان - چاپ فرشپوه

کارگر جنوبی، روانمهر، پ ۱۵۲، طبقه ۱، تلفن: ۰۲۲۵ ۶۶۴۱۰۳۲۵ و 090Akhtaran فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹  
[www.akhtaranbook.ir](http://www.akhtaranbook.ir) - [info@akhtaranbook.ir](mailto:info@akhtaranbook.ir) - [instagram.com/akhtaranpub](https://www.instagram.com/akhtaranpub)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۷-۲۲۰-۰-۰

همه‌ی حقوق محفوظ است

بها: ۶۵۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

۹	پیشگفتار مترجم
۱۳	پیشگفتار
۱۹	فصل اول: مقدمه
۱۹	نخستین مسلمانان
۲۴	بافت جنوب آسیا
۳۳	تاریخ‌نگاری و منابع مطالعه
۳۶	پیوست‌های گزیده
۳۹	فصل دوم: دوره‌ی تسلط اعراب (۶۰۰ تا ۱۰۰۰ میلادی)
۳۹	بازرگانی و سکونت اولیه‌ی اعراب در هند
۴۳	فتح سند به دست اعراب
۴۶	حکومت اعراب در سند
۵۵	اشتیاق نخستین مسلمانان برای کسب دانش
۶۱	پیوست‌های گزیده
۶۵	فصل سوم: قدرت ترک و فرهنگ ایرانی در عصر انتقال
۶۶	غزنویان و غوریان: جنگ‌ها و فتوحاتشان
۷۵	سبک اقتدار غزنویان
۷۸	تعصب و واقع‌گرایی در سیاست دینی
۸۱	تسلط سنت فرهنگی ایرانی
۸۶	پیوست‌های گزیده
۹۱	فصل چهارم: سلطنت دهلی در اوج
۹۲	سلاطین و اشراف
۹۸	گسترش قلمرو و تهدید مغولان
۱۰۲	دهقانان، پیشه‌وران، غلامان و بازرگانان
۱۰۶	نگاهبانان اسلام و نگرش به هندوها
۱۱۰	معماری در دوره‌ی سلطنت دهلی
۱۱۳	روایت و تصنیف در سنت [زبان و ادبیات] فارسی
۱۱۵	پیوست‌های گزیده

۱۱۹	فصل پنجم: مراکز جدید قدرت و فرهنگ اسلامی
۱۱۹	افت و خیزهای قدرت و فرصت‌های سلطنتی
۱۲۶	ظهور سلطنت‌های منطقه‌ای
۱۳۱	جامعه‌ی مسلمانان: نگاهی سریع
۱۳۵	هنر و معماری: سلطنت دهلی و خاندان‌های محلی
۱۴۰	درهم‌آمیزی سبک‌های ادبی
۱۴۳	پیوست‌های گزیده
۱۴۷	فصل ششم: استیلای تیموریان: اکبر و جانشینان او
۱۴۷	چهار تیموری: معرفی کوتاه
۱۵۰	نظم پادشاهی تیموری
۱۵۷	اقتصاد تیموریان
۱۶۲	دین و حکومت
۱۶۶	فرهنگ درباری و حمایت سلطنتی
۱۷۷	پیوست‌های گزیده
۱۸۱	فصل هفتم: عصر فروپاشی شاهنشاهی تیموری
۱۸۳	عوامل زوال شاهنشاهی تیموری
۱۹۰	صحنه‌ی سیاسی پس از تیموریان
۱۹۵	برخی گرایش‌ها در اسلام هندی
۲۰۱	توسعه‌ی فرهنگی در اواخر دوره‌ی تیموری
۲۰۷	پیوست‌های گزیده
۲۲۱	فصل هشتم: مسلمانان در دوره‌ی کمپانی هند شرقی
۲۲۲	تفوق کمپانی
۲۲۹	ناخشنودی و مقاومت مسلمانان
۲۳۷	تداوم نظم اجتماعی مسلمانان
۲۴۲	جوش و خروش فکری و فرهنگی
۲۴۹	پیوست‌های گزیده
۲۵۵	فصل نهم: نخستین نشانه‌های مدرنیته‌ی اسلامی در حکومت راج
۲۵۶	تعلیم و تربیت و هویت اسلامی
۲۶۲	آرزوها و دستاوردهای سیاسی مسلمانان

۲۷۸	.....	دانش پژوهی و ادبیات اسلامی جدید
۲۸۵	.....	پیوست‌های گزیده
۲۹۳	.....	فصل دهم: اتحاد یا جدایی؟ معمای مسلمانان در پایان حکومت راج
۲۹۲	.....	از خلافت تا پاکستان: روایتی سیاسی
۳۰۳	.....	میوه‌های تلخ جدایی
۳۰۹	.....	مبارزه با بیسوادی و عزلت پرده: پیشرفت‌های زنان مسلمان
۳۱۴	.....	ادیبان بلندآوازه پیش از استقلال
۳۱۸	.....	پیوست‌های گزیده
۳۲۵	.....	فصل یازدهم: سخن آخر- چالش‌های تازه در شبه‌قاره‌ای از هم‌گسیخته (۱۹۴۷-۲۰۱۱)
۳۲۴	.....	اقلیت مسلمان در هند مستقل
۳۳۱	.....	رنج‌های پاکستان
۳۴۲	.....	از پاکستان شرقی تا بنگلادش
۳۴۸	.....	ادبیات و هنر
۳۵۲	.....	پیوست‌های گزیده
۳۵۷	.....	اندیشه‌های پایانی
۳۵۹	.....	سلسله‌های شاهان مسلمان
۳۶۷	.....	یادداشت‌ها
۳۹۳	.....	کتابشناسی
۴۱۳	.....	نمایه

## پیشگفتار مترجم

مسلمانان نزدیک به چهارده قرن در جنوب آسیا حضور داشته‌اند و ۴۰٪ از جمعیت انبوه ساکن در این منطقه‌ی وسیع جهان از این دین پیروی می‌کنند. سهم مسلمانان در میراث فرهنگی شبه‌قاره چشمگیر است. این کتاب شرحی جامع از تاریخ اسلام در هند ارائه می‌دهد که دربرگیرنده‌ی جنبه‌های سیاسی، اجتماعی اقتصادی، فرهنگی و اندیشه‌ورزی مسلمانان است. نویسنده با استفاده از یک چارچوب کرونولوژیکال (وقایع‌نامه‌نگارانه / ذکر وقایع به ترتیب تاریخی) از نخستین روزهای حضور اسلام تا به امروز (دهه‌ی نخست هزاره‌ی دوم)، و رخداد‌های مهم را بازگو می‌کند. تمرکز بحث بر نحوه‌ی تلاش مسلمانان برای دستیابی، حفظ و اعمال اقتدار سیاسی خود، بحران هویت و تزلزل اعتماد به نفس مسلمانان با ورود استعمار غرب به شبه‌قاره، و سرانجام ترکیب و درهم آمیزی هندوییزم و اسلام در حیات و زندگی روزمره‌ی هندیان مسلمان است.

وجود نقشه‌ها، تصاویر، جداول سلسله‌های پادشاهی مسلمان هند در انتها، و پیوست‌هایی در پایان هر فصل به انتقال بهتر محتوای اثریاری رسانده است. نویسنده‌ی تمدن اسلامی در جنوب آسیا، بورجور آواری، پژوهشگر افتخاری در دانشگاه متروپولتین منچستر است. او روایت خود را به‌خوبی و روانی و به‌نحو دلپذیری بیان می‌کند. وی که از پارسیان هند است، در ۱۹۳۸ در هند زاده شده است. دوران کودکی و جوانی را در استون تاون در جزیره‌ی زنگبار و کنیا گذراند و فضای پرشور سیاسی در میان جامعه‌ی مهاجر هندیان را به هنگام اعلام استقلال هند تجربه کرده و به یاد دارد. به گفته‌ی خودش با وجود تعصبات ضد مسلمانان و اوج‌گیری احساسات منفی نسبت به آنان پس از جدایی پاکستان از هند، به تدریج و با مطالعه‌ی روشمند وقایع تاریخی و تدریس تاریخ به مدت بیست و شش سال در انگلستان و سپس مناسبات دوستانه‌ای که با فرهیختگان مسلمان مقیم انگلستان برقرار کرده است بر این پیش‌داوری‌ها غلبه کرده و کوشیده است در این کتاب بی‌طرفانه و با درک محدودیت‌ها و آرزوهای جناح‌های مختلف هند و قلّه‌های فکری گوناگون در درون جامعه‌ی مسلمانان شبه‌قاره گزارش و

تحلیلی بی طرفانه و دقیق از موضوع مطالعه خود ارائه دهد. آواری هم‌اکنون پژوهشگر افتخاری دانشگاه متروپولیتن منچستر و عضو گروه مطالعات فرهنگی این دانشگاه است.

در ترجمه‌ی اثر تلاش شده است امانت‌داری و دقت لازم ملحوظ گردد. برای تطبیق بهتر وقایع با رخداد‌های دیگر جهان اسلام در هفت فصل نخست که حضور مسلمانان در حکومت و اقتدار سیاسی چشمگیرتر است و رخدادها بخشی از تاریخ کلی مسلمانان است، معادل قمری تاریخ‌های میلادی ذکر گردیده است. دیدار مترجم با نویسنده کتاب در بهار ۱۴۰۱/۲۰۱۳ ش در منچستر و گفت‌وگوی پر بار با وی و مشاهده‌ی شوق او به پژوهش در حوزه‌ی کارش همراه با متانت و تواضع وی و همدردی صمیمانه‌اش با رنج و عذاب و فقر فرودستان جوامع جنوب آسیا، درس گرانبهایی برای راقم این سطور و انگیزه‌ای قوی در ترجمه‌ی کتاب حاضر بوده است. ضمناً علاقه و کنجکاوی درباره‌ی هند دوره‌ی اسلامی در سال‌های کار و آموزش از استاد فتح‌الله مجتبیایی در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و پس از آن، برخورداری از راهنمایی‌های استاد اکبر ثبوت در دانشنامه جهان اسلام که هر دو از هندی‌شناسان برجسته ایران‌اند و نیز سفرهای به هند و پاکستان، انگیزه‌ی دست‌یازیدن به این کار را در مترجم افزون‌تر و قوی‌تر کرده است.

افزون بر این، مشابهت‌های میان نحله‌های فکری و چالش‌های عقیدتی در درون جامعه مسلمانان هند و رویارویی سنت و مدرنیته در این اجتماعات با آنچه در جامعه‌ی ایران می‌گذرد عامل مشوق دیگری در ترجمه این اثر گردید.

در کمال شگفتی درست‌هنگامی که ترجمه متن به پایان رسید (۱۲ شهریور ۹۳)، پیام ایمن الطواهری، پیشوای القاعده، پخش شد که شبه‌قاره را سرزمین از دست داده‌ی مسلمانان و جزئی از دارالاسلام محسوب کرده و برای دستیابی به موقعیت گذشته‌ی مسلمانان در فاصله‌ی سده‌های هفتم تا دوازدهم در شبه‌قاره اعلان جهاد کرده است. و این بار دیگر لزوم بازنگری گذشته و تمام خاطراتی که در حافظه‌ی جمعی ساکنان این بخش از کره‌ی زمین، این حایل بین خاورمیانه‌ی اسلامی و عربی و جهان مالایایی شرق دور، مرز و سرحد دو دین بزرگ جهان اسلام و هندوئیسم و کمتر از آن بودیزم را یادآور می‌شود.

همزمانی این رویداد با نخست‌وزیری نارانجامودی، فرماندار گجرات در دهه‌ی هشتاد و مظنون به مماشات با هندوهای افراطی که در جریان واقعه‌ی مسجد بابری به

خشونت و کشتار برضد مسلمانان دست یازیدند، با توجه به پیشینه‌ای که این اثر از مناسبات هندوها و مسلمانان در هند ارائه می‌دهد، بسیار معنادار خواهد بود.

جریان‌های افراطی و نومتعصبان کوته‌فکر در هردو سوی منازعه‌ای بی‌حاصل در واقع متحدانی هستند برای شعله‌ور نگاه داشتن آتشی که جز سوزاندن منابع طبیعی و نیروی انسانی ثمری دیگر نخواهد داشت.

وظیفه خود می‌دانم که در اینجا از دوست و همکار ارجمندم، جناب آقای دکتر محمد باقری که این کتاب را در اختیار من قرار دادند و وسیله‌ی آشنایی و دیدار با مؤلف آن را فراهم کردند سپاسگزار باشم. همچنین از خانم‌ها کمندی و الیاس‌پور که زحمت تحریر متن را به عهده داشتند، تشکر کنم. و نیز سپاس از جناب آقای اردهالی که امکان چاپ و انتشار آن را در انتشارات اختران فراهم کردند. از همسر، که متن را مطالعه و در بالا بردن دقت ترجمه در برخی از قسمت‌های دشوار متن مرایاری کرد، و نیز از همکارانم در دانشنامه جهان اسلام که در یافتن ضبط صحیح اعلام توصیه‌های یاریگری ارائه دادند: آقایان اکبر نبوت برای اعلام هند، آقای فرید قاسلمو برای اعلام تاریخ علم و عارفی برای اصطلاحات معماری. بدیهی است هرگونه خطا و اشتباه به عهده مترجم است.

## پیشگفتار

روز چهاردهم یا پانزدهم ماه اوت سال ۱۹۴۷ بود. من آن زمان پسر جوانی بودم که در استون تاون<sup>۱</sup> در جزیره‌ی زنگبار زندگی می‌کردم، جایی که زمانی مرکز تجاری و بازار برده‌ی شلوغی بود دور از ساحل شرقی افریقا. بیشتر مردم جزیره، همانند امروز، مسلمان و از گروه‌های قومی جداگانه بودند: اکثریت مسلط سواحیلی، سپس عرب، ایرانی و سکنه‌ی جنوب آسیا یا آن‌طور که نامیده می‌شدند، هندی. جمعیت هندی در حکومت استعماری بریتانیا از اواخر سده‌ی نوزدهم به‌طور چشمگیری رشد کرده بود. با اینکه اکثریت آنها مسلمان بودند، کاست‌های متعدد هندوها و دیگر هندیان غیرمسلمان دیگر همچون سیک‌ها، گوان‌ها<sup>۲</sup> و پارسی‌ها [زرتشتیان هند] نیز در میان آنان به چشم می‌خوردند. ۱۴ و ۱۵ اوت، روز استقلال پاکستان و هند، روزهای جشن و سرور همه‌ی مردم جنوب آسیا بود که در سراسر جهان می‌زیستند. به یاد دارم در یکی از این دو روز بود که راه‌پیمایی دسته‌ای از مردان را در طول خیابان اصلی تماشای کردم؛ آنها به زبان فارسی شعارهایی می‌دادند مانند: «هندوستان زنده باد» و «پاکستان مرده‌باد» یا شاید برعکس آن. حتی امروز می‌توانم انعکاس آن شعارها را بشنوم. آموزش تاریخی و سیاسی من درباره‌ی ریشه‌های جنوب آسیایی یا هندی‌ام از آن روز آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. والدین من برای حکومت بریتانیا در هند (راج) اهمیت بسیار قائل بودند زیرا آنان نظم و قانون، صلح و امنیت، آموزش و پرورش و پیشرفت برای اقوام گوناگون هند به‌ویژه اقلیت نژادی پارسی خودمان را به ارمغان آورده بودند. با این همه و باشکفتی، خانواده‌ی من به قهرمانانی که برای استقلال هند از حکومت بریتانیا مبارزه می‌کردند نیز احترام زیادی می‌گذاشتند. این قهرمانان رهبران ملی‌گرای هند نظیر دادابهای نائوروچی<sup>۳</sup>، سر فیروز شاه مهتا<sup>۴</sup>، مهاتما گاندی، جواهر لعل نهرو و سوبهاس چاندرا

1. Stone Town

2. Goans

3. Dadabhai Naoroji

4. Phirozshah Mehta

بوسه بودند.<sup>۱</sup> در اتاق نشیمن ما تصویری بود که در کنار دو تصویر زرتشت، جورج ششم و ملکه الیزابت، در جایی مناسب قرار داشت. این تصویر، گاندی و نهرو را کنار هم، نشسته بر زمین نشان می‌داد که دوستانه به یکدیگر لبخند می‌زدند. مسلم است که بریتانیا و هند نمی‌توانستند دشمن یکدیگر بمانند؛ مبارزه‌ی انسانی و مسالمت‌آمیز گاندی آن را تضمین کرده بود. به هر حال، آنچه برای مردمی نظیر والدین من دشوار بود احساس همدلی با مسلمانان شبه‌قاره برای خواست تشکیل پاکستان بود. تأسیس آن کشور در آستانه‌ی جدایی از بریتانیا ناخوشایندترین خبر برای ما و دوستان هندی دیگرمان بود. بنابراین دلیلی نداشت که تصویر محمدعلی جناح، بنیانگذار پاکستان، یا تصویر سر سید احمد خان، رهبر بزرگ مسلمانان هند در سده‌ی نوزدهم، در خانه‌ی ما آویخته شود. طی سال‌های دبیرستان هر

روز صبح پیش از ترک خانه به خبرهای برون‌مرزی رادیوی سراسری هند به زبان خودمان، گجراتی، گوش می‌دادم. کاملاً به یاد دارم که در عناوین اصلی خبر، گویندگان خبر همیشه با لحنی خشن از سیاست‌های نادرست پاکستان سخن می‌گفتند. باید بگویم که در رادیو پاکستان نیز قطعاً بایستی با همان لحن اخبار ضد‌هندی پخش می‌شد، هر چند ما هرگز به آن گوش نمی‌دادیم. این اخبار تنها می‌توانست تأثیری زیان‌بخش بر ذهن یک جوان داشته باشد.

تعصبات قدیمی به سختی از میان می‌روند. در تمام طول زندگی‌ام پس از سال ۱۹۴۷ درباره‌ی جنگ‌ها و دشمنی‌های هند و پاکستان و درگیری‌های گسترده‌ی ناشی از تروریسم اسلامی بر ضد هند و بسیاری از کشورهای غربی اخباری می‌شنیدم که نتیجه‌ی آن شکاف عمیقی از سوءظن و خصومت بین مسلمانان و غیرمسلمانان بوده است. تعصبات دوره‌ی کودکی‌ام به سادگی به تنفر منجر می‌شد، اگر دو اتفاق خوب در زندگی من رخ نمی‌داد. نخست، تصمیم والدینم در فرستادن من به انگلستان برای تحصیلات عالی بود. در دو سده‌ی اخیر مردمان گوناگونی از قلمرو وسیع امپراتوری بریتانیا در انگلستان سکنی گزیده بودند. برخورد من با آنان در دوره‌ی دانشجویی افق فکری و فرهنگی مرا گسترش داد. از آن هنگام، در نزدیک به پنج دهه اقامت و تدریس در انگلستان، دوستان مسلمان بسیاری یافته‌ام و برای اعتقادات، زمینه و سابقه‌ی فرهنگی، امیدها و آرمان‌های آنان احترام و ارزش قائل شده‌ام. در نتیجه، ترس‌ها و سوءظن‌های

دوره‌ی کودکی از میان رفته است. دومین اتفاق بزرگ برای من هنگامی پیش آمد که در دانشگاه منچستر به تحصیل تاریخ پرداختم. دانشگاه منچستر از هنگام تأسیس در دوره‌ی ویکتوریا مرکزی معتبر برای مطالعات تاریخی بوده است. پیشگامان اولیه‌ی آن، در کلام به یادماندنی سر موریس پوایک<sup>۱</sup> تاریخ‌دان<sup>۱</sup>، «مردان بزرگ در مکان بزرگ» بودند.<sup>(۱)</sup> مورخان برجسته‌ای نظیر پروفیسورها توت<sup>۲</sup> و تیت<sup>۳</sup>، سر لوئیس نامیر<sup>۴</sup> و ا. ج. پ تیلور<sup>۵</sup> در این دانشگاه تدریس کرده و معیارهایی برای پژوهش بنیان نهاده بودند که نسل‌های بسیاری از دانش‌جویان کوشیده‌اند از آنها پیروی کنند. استادانی که با مهر فراوان آنها را به یاد دارم آلبرت گودوین<sup>۶</sup> کارشناس انقلاب فرانسه، مایکل والاس هدرل<sup>۷</sup> و گوردون لاف<sup>۸</sup> متخصصان سده‌های میانه، وارنر استارک<sup>۹</sup> مورخ و جامعه‌شناس متولد چک، چالنر<sup>۱۰</sup> و ویلان<sup>۱۱</sup> مورخان اقتصادی بودند که کمک کردند تا عشق به مطالعه در تمام طول زندگی همراه من باشد. بیشتر آنها در دانش و معرفتی انگلستان محور و اروپا محور غرق بودند و توجه محدودی به تاریخ هند پیش از سلطه‌ی بریتانیا داشتند. با این همه، این موضوع اهمیت نداشت زیرا مهارت در مطالعات تاریخی و روش‌هایی که آنان تدریس می‌کردند اهمیت بیشتری داشت. سال‌ها بعد، من خود آموزی و مطالعه‌ی تاریخ هند و جنوب آسیا را با آموزش‌هایی که در منچستر دیده بودم، آغاز کردم.

من از طریق خود آموزی و سال‌ها تدریس در دبیرستان و دانشگاه، با نگاهی نو به کشف تاریخ سرزمین زادگاهم پرداختم. ضمن نوشتن کتابم هند: گذشته‌ی کهن - تاریخ شبه‌قاره‌ی هند، از ۷۰۰۰ ق.م تا ۱۲۰۰ م<sup>۱۲</sup> (راتلیج<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷)، با مجموعه‌ای از خصومت‌ها و سوء تفاهماتی روبه‌رو شدم که بر درک من از وقایع گذشته تأثیر نهاده بود. تاریخ این ظرفیت را دارد که در هر کس تعصبات موجود را شعله‌ور یا تعدیل کند. به لطف خدا، دومی برای من پیش آمد. دانش مقدماتی من از تاریخ مسلمانان در جنوب آسیا با افسانه‌ها آمیخته شده بود. یک افسانه‌ی قدرتمند اما خطرناک آن بود که شکوه هند باستان با آمدن اسلام از میان رفته و شمال هند در سده‌های میانه و به‌ویژه پس از آن، به مکانی ویران تبدیل شده بود. بسیاری از نوشته‌های بریتانیایی‌ها در دوره‌ی

1. Sir Maurice Powiak

2. Tout

3. Tait

4. Namier

5. A. J. P. Taylor

6. Albert Goodwin

7. Michael Wallace - Hadrill

8. Gordon Laff

9. Werner Stark

10. W. H. Chaloner

11. T. S. William

12. *The Ancient Past - The History of the Indian Subcontinent*

13. Routledge

ویکتوریا آگاهانه این افسانه را به نفع ابقای نظارت بریتانیا بر هند پر و بال می دادند. با این همه، مطالعه‌ی ژرف تر موضوع مرا به این نتیجه رساند که هند سده‌های میانه با حضور مسلمانان در واقع آباد شد، نه ویران؛ و به تدریج، در طول یک دوره، من نیز برای آنچه شاید بتوان آن را دورنمای اسلام در تاریخ جنوب آسیا نامید، احترام قائل شدم. به مدت بیش از ۸۰۰ سال، از سده‌های میانه تا اواخر سده‌ی هجدهم، پیش از تسلط کمپانی هند شرقی شاهان، امپراتوران و شاهزادگان مسلمان بر قلمروهای پهناوری در شبه‌قاره فرمان راندند. حکومت آنان اغلب ستمگرانه و خودکامه بود، با وجود این تعدادی از آنان نیز بر جمعیت‌های بزرگی به انصاف و با جاه و جلال حکومت کردند. تحت حکومت مسلمانان، هند به جهان وسیع تر تجارت و دانش وارد شد. جامعه‌ی هند در نتیجه‌ی تعامل میان هندوئیسم و اسلام دستخوش تغییرات ژرف گردید. بنابراین، مطالعه‌ی تمدن اسلامی یا هندو اسلامی به اندازه‌ی مطالعه‌ی فرهنگ باستانی هند و بودایی یا فرهنگ دوره‌ی استعمار برای فهم تاریخ هند و جنوب آسیا حیاتی است.

این کتاب تلاش فروتنانه‌ی من برای درک و بیان روشن و بی‌غرضانه‌ی گذشته‌ی اسلامی جنوب آسیاست. هدف آن ارائه‌ی تاحد ممکن جامع این تاریخ، از ورود اولین دریانوردان و تجار مهاجر مسلمان از عربستان و ایران در سده‌ی هفتم میلادی، در اثری یک جلدی است. کوشیده‌ام تا برای خواننده اطلاعات و تجزیه و تحلیلی انتقادی از جنبه‌های خاص تاریخ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هندو اسلامی، به ترتیب زمانی ارائه دهم. روایت کتاب و تحلیل آن بر اساس آثار تحقیقی ارزشمندی به زبان انگلیسی است که در چند دهه‌ی اخیر تألیف شده‌اند. با آنکه بسیاری از منابع دست اول به زبان فارسی و اردو نوشته شده‌اند، یعنی زبان‌هایی که من نمی‌توانم بخوانم، خوشبختانه تعداد زیادی از این منابع به انگلیسی ترجمه شده است. گزیده‌ای از منابع گوناگون در پایان هر فصل ضمیمه شده است تا خواننده‌ی علاقه‌مند را برای پژوهش بیشتر راهنمایی کند. برای راحتی خواننده، اعراب‌ها و نشانه‌های تأکید حذف شده‌اند؛ بیشتر نام‌های اسلامی به گونه‌ای که امروزه ادامی شوند، در متن کتاب آمده است.

در میان افرادی که به آنان قدردانی و سپاسگزاری مدیونم نخست باید از پروفیسور فرانسیس رابینسون<sup>۱</sup> در رویال هالووی<sup>۲</sup> دانشگاه لندن و کالج براسنوس<sup>۳</sup> دانشگاه آکسفورد تشکر کنم. وی با دوبار خواندن دستنوشته‌ی من، و با تفسیرها و پیشنهادهای

1. Francis Robinson

2. Royal Holloway

3. Brasenose

آموزنده‌اش مرا به آرامی به مسیر درست هدایت کرد. دانش زیاد و یکدلی عمیق او در مطالعات اسلامی، سال‌ها منبع الهام دانشجویان و پژوهشگران در این حوزه بوده است. همچنین سپاسگزارم از دوست خوبم، اختر حسین، که نویسنده‌ی داستان‌های کوتاه، مورخ اجتماعی و مقاله‌نویس نسخه‌ی انگلیسی روزنامه‌ی معروف پاکستان *DailyJang* است. او ساعت‌های بسیار را برای مطالعه دقیق تمام دست‌نوشته‌ی من صرف کرد. اشتباهات را تصحیح و مرا نسبت به ریزه‌کاری‌ها و تفاوت‌های موضوعات اسلامی حساس گرداند. توصیه‌های او برای پیشرفت کار من بسیار ثمربخش بود. از دوستان و همکاران خوبم - محقق اسلامی دکتر محمود چانديا<sup>۱</sup> از دانشگاه لانکشاير مرکزی، دکتر جورج گیورگیز جوزف<sup>۲</sup> مورخ ریاضیات، لرد بهیکهو پارک<sup>۳</sup> استاد فلسفه، دکتر مری سرل چترجی<sup>۴</sup> جامعه‌شناس و فرخ واجف‌دار<sup>۵</sup> پژوهشگر هندوایرانی در انجمن سلطنتی آسیایی<sup>۶</sup> - که بخش‌هایی از کتاب را خواندند و توصیه‌های ارزشمندی کردند، واقعاً سپاسگزارم. با وجود این، برای کاستی‌های کتاب، تنها من مسئولم. همچنین تشکر می‌کنم از: دخترانم روشنا و آنهیتا، گری هالکوک<sup>۷</sup> متخصص تکنولوژی اطلاعات در دانشگاه که هرگاه به سبب مهارت محدودم در کامپیوتر درمانده می‌شدم، به سرعت به کمک من می‌آمد و کارکنان کتابخانه‌ی جان رینولدز<sup>۸</sup> دانشگاه منچستر و کتابخانه‌ی سرکنت گرین<sup>۹</sup> دانشگاه متروپولیتن منچستر که همیشه کتاب‌های موردنیاز مرا به سرعت تهیه می‌کردند. و نیز سپاسگزارم از اعضای بخش تاریخ در دانشگاه متروپولیتن منچستر که با ایجاد فضای دوستانه و همدلانه نزدیک به دو دهه از کار من حمایت کردند. و سرانجام متشکرم از دورثیا شافت<sup>۱۰</sup>، ویراستار راتلیج در مطالب درباره‌ی جنوب آسیا، که فرصت نوشتن این کتاب را به من داد.

بورجور آواری

فوریه‌ی ۲۰۱۲ - منچستر

1. Chandia      2. George Gheverghese Joseph

4. Mary Searl-Chatterjee      5. Royal Asiatic Society

7. Gary Hullock      8. John Rylands

10. Dorothea Schaefer

3. Bhikhu Parekh

6. Farrokh Vajifdar

9. Kenneth Green

## فصل اول

### مقدمه

#### نخستین مسلمانان

واژه‌ی مسلمان عربی و به معنی کسی است که تسلیم اراده‌ی خداوند است. دقیق‌تر بگوییم این شخص عضو اجتماع (امتی) است که اسماً، معتقد به دین اسلام است. اسلام همچنین به معنی «تسلیم» و «صلح» است.<sup>(۱)</sup> این دین را در عربستان و در اوایل سده‌ی هفتم، [حضرت] محمد [ص] (۵۷۰-۶۳۲) بنیان نهاد. او دارای صفاتی چون معرفت، بصیرت، دلاوری، سخنوری و انسان‌دوستی بود. مسلمانان معتقدند که او آخرین پیامبر خدا در سنت ابراهیمی است که یهودیت، مسیحیت و اسلام را شامل می‌شود، اما این باور را مسیحیان و یهودیان نمی‌پذیرند.

جامعه‌ی عرب در زمان پیامبر ماهیتاً قبیله‌ای و بت پرست بود. قبیله‌ها از عشیره‌های متخاصم تشکیل می‌شدند، و در زمان جنگ و صلح قانون تخطی ناپذیر [شرف] که در بسیاری از جوامع چادرنشین رایج بود بر مناسبات آنها حکم می‌راند. محمد خود به قبیله‌ی قدرتمند و متنفذ قریش تعلق داشت که شهر مکه، زادگاه او، را اداره می‌کرد. این شهر در مسیر تجاری یمن در جنوب و سوریه در شمال قرار داشت و از شهرهای تجاری بزرگی بود که بازارهای آن بازرگانان و خریداران بسیاری را از مرکز عربستان جذب می‌کرد.<sup>(۲)</sup> گردهمایی سالانه‌ای در این شهر برگزار می‌شد که طی آن زائران بسیاری برای پرستش بت‌های متعدد درون کعبه به مکه می‌آمدند. کعبه بنایی بود که شهرت داشت ابراهیم و پسرش اسماعیل آن را ساخته‌اند.<sup>(۳)</sup> با وجود حضور یهودیان و مسیحیان در مکه بیشتر اعراب تنها درک مبهمی از مفهوم توحید یا باور به خدای متعال (الله) داشتند. محمد [ص] در سال ۶۱۰، در سن چهل سالگی و در غار حرا در بیرون مکه اولین وحی خود را به شکل فرمانی شفاهی از خدا دریافت کرد.<sup>(۴)</sup> وحی‌های دیگر در بیست

سال بعد و در پاسخ به شرایطی که پیامبر با آن روبه‌رو می‌شد نازل گردید. وحی‌هایی که بر محمد کلمه به کلمه و آیه به آیه نازل شد و او به پیروان خود ابلاغ و موعظه کرد، قرآن را تشکیل می‌دهد. که به عربی به معنی تلاوت است<sup>(۵)</sup> مسلمانان قرآن را کلام خدا می‌دانند که بر محمد نازل شد و حساسیت‌های آنان زمانی که قرآن مورد تمسخر واقع و به آن توهین شود یا مورد سوءاستفاده واقع گردد، به شدت برانگیخته می‌شود. محمد به گروه بسیار کوچک پیروان خود که ابتدا اعضای خانواده و دوستان او بودند، پیام برابری، عدالت و رحمت را ابلاغ کرد؛ اما طولی نکشید که قدرتمندترین مردم قریش در مکه اندیشه‌های محمد [ص] را برای ثبات مکه و موقعیت خود بسیار خطرناک دانستند. سرانجام در سال ۶۲۲ خصومت آنان محمد [ص] و گروه کوچک یاران او را ناگزیر کرد که از مکه به یثرب مهاجرت کنند که بعدها به نام مدینه (مدینه النبی) شناخته شد. این مهاجرت که هجرت نامیده می‌شود، آغاز تاریخ اسلام است، پس از آن بود که جامعه‌ی نوپای مسلمانان توسط محمد [ص] شکل گرفت.<sup>(۶)</sup>

مردم مدینه احترام بیشتری برای اندیشه‌های او قائل شدند. با وجود این، او با مخالفت برخی از قبایل یهود و عرب روبه‌رو شد. اما وی با درایت و سیاستمداری اکثریت مردم را در کنار خود نگاه داشت. او و مسلمانان با خصومت مداوم قریش در مکه روبه‌رو بودند و سرانجام یکی از قبایل یهود، گرچه پیش‌تر دو بار به آنها اخطار شده بود، با برقراری تماس با اهالی مکه رفتاری خیانتکارانه در پیش گرفت. بنابراین محمد [ص] احساس کرد چاره‌ای ندارد جز آنکه پیروان خود را برای نبرد آماده کند. قرآن به مؤمنان آموزش می‌دهد که برای صلح تلاش کنند، ولی محمد [ص] با جنگ‌های موفق خود بر ضد مکه و حتی تصویب قتل‌عام سربازان یهود در مدینه بر اندیشه‌ی جنگ برای تحقق عدالت تأکید ورزید.<sup>(۷)</sup> اگر او چنین نمی‌کرد، رسالت او به شکست می‌انجامید. به هنگام مرگ پیامبر در سال ۱۰ ق.، مکه در دستان مسلمانان و کعبه از بت‌ها پاک شده بود و بسیاری از اعراب به اسلام گرویده بودند.

این قرآن بود که محمد را هدایت کرد تا طی سال‌ها، برنامه‌ی ساده و مؤثری برای زندگی روزانه‌ی مسلمانان و برای پیوند آنان با یکدیگر تدوین کند و ارائه دهد. این برنامه شامل پنج رکن اسلام می‌شود.<sup>(۸)</sup> نخست، هر مسلمان باید همیشه به یگانگی خداوند و پیامبری محمد [ص] شهادت دهد (شهادت)؛ دوم، هر مسلمان باید در پیشگاه خداوند سجده کرده و در شبانه‌روز پنج‌بار نماز بخواند (نماز)؛ سوم، هر مسلمان باید به فقرا صدقه بدهد و مبتنی بر رسمی قدیمی سالیانه دوونیم درصد اموال و دارایی‌های

خود را ببخشد (ذکات)؛ چهارم، جز در موارد بیماری و پیری هر مسلمان باید از طلوع تا غروب آفتاب در نهمین ماه تقویم مسلمانان (رمضان) روزه بگیرد (روزه)؛ پنجم، هر مسلمان باید بکوشد دست کم یک بار در عمر خود بدون قرض کردن به زیارت کعبه در مکه برود (حج). این فرائض گواهی بر باور محمد[ص] به خدا و درک او از طبیعت بشری است. این فرائض نه تنها حسی از اتحاد وصف - ناپذیر و پیوند میان مؤمنان را می پروراند، بلکه خصال نیک و نوع دوستی را در میان آنان رواج می دهد. برای نمونه فریضه‌ی روزه‌داری، راه مؤثری برای اشاعه‌ی حس همدردی نسبت به کسانی است که از گرسنگی و فقر رنج می برند. همچنین درباره‌ی شماری از موضوعات نظیر طرز لباس پوشیدن، رژیم غذایی، ازدواج، ارث و غیره احکامی وجود دارد که در سده‌های بعد تنظیم شده‌اند. سنگ بنای اجماع مسلمانان در این پنج عبادت است؛ این همان برنامه‌ی جامع اجتماعی و عقیدتی است که حتی امروزه بیش از یک میلیارد مسلمان در سراسر دنیا آن را دنبال می کنند.

تجارب و الهامات پیامبر در مکه، مهاجرت او به مدینه، جنگ‌های او با اهالی مکه و یهودیان، بازگشت پیروزمندانه نهایی او به مکه و اسلام آوردن اهالی این شهر مراحل مهم کار و دستاورد زندگی او را مشخص می کنند. با مرگ پیامبر در سال (۱۰ / ۶۳۲) تاریخ مسلمانان به نقطه عطفی رسید. سه تحول عمده در آن زمان بر تاریخ صدر اسلام و مسلمانان تأثیر گذاشت: گسترش قلمرو، مناقشات فرقه گرایانه و پیچیدگی فقهی. بیشتر کشورگشایی‌های اعراب در دوره‌ی سه خلیفه‌ی نخست، ابوبکر (۱۰-۱۲ / ۶۳۲-۶۳۴)، عمر (۱۲ / ۶۳۴) و عثمان (۲۴-۳۶ / ۶۴۴-۶۵۶) و بعدتر، در زمان حکومت امویان (۴۱-۱۳۳ / ۶۶۱-۷۵۰) رخ داد.<sup>(۱)</sup> شاهنشاهی ساسانی در ایران از میان رفت و امپراتوری مسیحی روم شرقی به شدت تهدید شد. قدرت اعراب مسلمان در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا گسترده شد و از جامعه‌ای کوچک و پراکنده میان مکه و مدینه، به امپراتوری اسلامی قدرتمندی تبدیل شد که در سند، اسپانیا، آسیای مرکزی و صحرا در آفریقا گسترده شده بود. پیام اسلام به مغلوب شدگان زردشتی، یهودی، مسیحی و پیروان ادیان دیگر ابلاغ شد. جز در ایران، عربی زبان اصلی ارتباط و فرهنگ در سراسر امپراتوری گردید. چگونگی و چرایی گرویدن توده‌های عظیم مردم به اسلام موضوعی بحث برانگیز باقی ماند، اما کاملاً ساده‌انگارانه خواهد بود که تصور شود مردم تنها با زور و قدرت شمشیر مسلمان شده‌اند.<sup>(۲)</sup> اعراب بر امپراتوری صدر اسلام که در حکومت عباسی در سده‌های ۳ و ۴ /

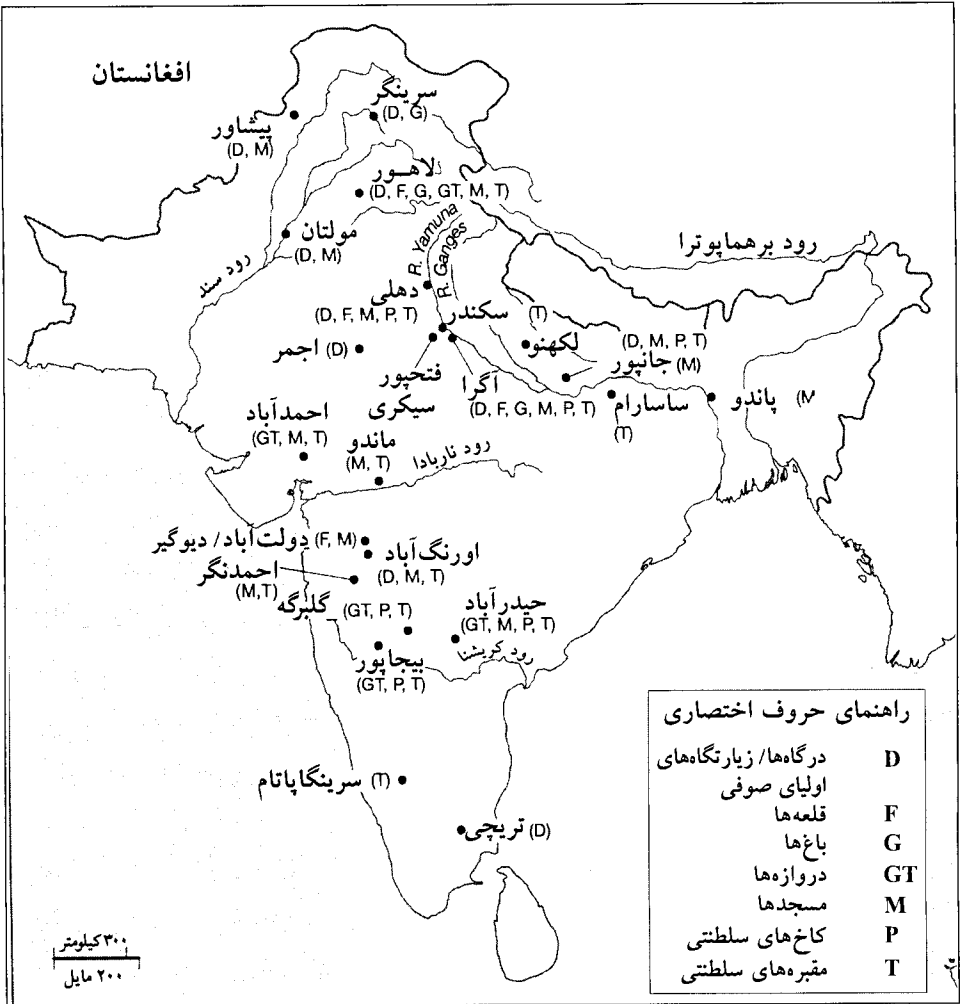
۹ و ۱۰ به اوج خود رسید، تسلط داشتند؛ اما با سقوط این حکومت و تجزیه‌ی خلافت عباسی، اقوام و ملت‌های مسلمان دیگر به صحنه‌ی کشورگشایی‌های مسلمانان وارد شدند. امروزه، نزدیک به ۵/۱ میلیارد تن خود را مسلمان می‌دانند و مراکز بزرگ تمدن اسلامی در تمام جهان گسترده شده است.

کشاکش‌های فرقه‌گرایانه‌ی مسلمانان بر سر مسئله‌ی جانشینی پیامبر اندکی پس از مرگ محمد [ص] رخ داد. گروهی که به شدت باور داشتند رهبری امت به یکی از اعضای خانواده‌ی پیامبر تفویض شده است، علی [ع]، پسرعمو و داماد پیامبر را خلیفه می‌دانستند. این جناح با نام شیعه یا پیروان علی [ع] شناخته می‌شوند. جناح بزرگ‌تر، سنی‌ها، مخالف این نظر بودند و می‌خواستند رهبر با مشورت و در هماهنگی با سنت انتخاب شود. سه خلیفه نخست، ابوبکر، عمر و عثمان، صحابه‌ی پیامبر بودند و نه خویشاوند وی. علی [ع] بیست و چهار سال برای خلافت صبر کرد. هر چند خلافت وی به‌ویژه از نظر کشورگشایی قابل توجه نبود و تنها چهار سال طول کشید (۳۶-۴۰ / ۶۵۶-۶۶۰)، شیعیان بر ادعای خود مبنی بر حقانیت اخلاف وی به حکومت تأکید ورزیدند. در عمل خلافت به معاویه، عضو ارشد خانواده‌ی امیه در مکه رسید که مرکز حکومت خود را دمشق قرار داد. در سال (۶۱/۶۸۰) شیعیان از پسر علی [ع]، حسین [ع]، بر ضد یزید که در آن سال جانشین پدرش، معاویه، شده بود، حمایت کردند. شهادت حسین [ع] در کربلا در میان شیعیان احساس اقلیتی تحت فشار و محصور را پدید آورد.<sup>(۱۱)</sup> بعدها، در سده‌ی دوم / هشتم م، در میان شیعیان نیز در موضوع جانشین بر حق امام ششم اختلاف پدید آمد و اسماعیلیه (پیروان اسماعیل پسر امام ششم) انشعاب کردند. آنها فرقه‌ای را تشکیل دادند متمایز از اکثریت شیعیان که دوازده امامی و منتظر امام غایب دوازدهم بودند.<sup>(۱۲)</sup> در سده‌های بعد، انشعابات بسیار دیگری بر سر مسائل کلامی و عقیدتی در جامعه‌ی مسلمان رخ داد. برای نمونه گروهی که خوارج نام داشتند مخالف موروثی بودن مطلق خلافت بودند.<sup>(۱۳)</sup> صوفیان فرقه‌ای جدا نبودند، اما تفسیرگریشی آنان از قرآن و دیگر جنبه‌های فقه اسلامی آنان را بیرون از دایره متالهین سنتی یا علما قرار می‌داد.<sup>(۱۴)</sup>

امپراتوری صدر اسلام دیگ در هم جوشی بود از اندیشه‌هایی که بین اعراب فاتح و اقوام مغلوب مبادله می‌شد. مباحث فکری و فرهنگی در سطحی بالا در دربار عباسیان در بغداد جاری بود. رشته‌های گوناگونی همچون ریاضیات، شیمی، طب، هنر، تجارت، حقوق و زیبایی‌شناسی با اندیشه‌های اخذ شده از فرهنگ‌های گوناگون غنی می‌شد.<sup>(۱۵)</sup>

گذار فرهنگی اروپا از عصر تاریک به دوره رنسانس، بسیار مرهون آن چیزی است که تمدن اروپایی از تمدن اسلامی در این دوره آموخت.

جنبه‌ی دقیق و سختگیرانه‌ی تفکر مسلمانان را می‌توان در شیوه‌گسترش و رشد فقه اسلامی در آن دوره دید. نخست، تنها پنج فریضه‌ی اصلی و دیگر وصایای قرآنی اساس فقه را تشکیل می‌داد، اما در سده‌های (اول و دوم / هفتم و هشتم)، روند نظام‌مند تألیف و تدوین و روایت‌گری تمام وقایع زندگی محمد [ص]، اندیشه‌ها، اعمال و سلوک وی از منابع تاریخی و از خبرهای صحابه‌ی وی آغاز شد. این روندی بسیار پیچیده از بررسی و بازسنجی بغرنج، اثبات، تصحیح و توضیح، ترجمه و تفسیر خبرها بود. نهایتاً تمام خبرهای صحابه احادیث نام گرفت. اعتبار روایت هر حدیث بدان وابسته بود که به‌طور موثقی از طریق زنجیره‌ای از مسلمانان صدیق به خود پیامبر برسد. احادیث بنیاد سنت در رفتار پیامبر است.<sup>(۱۶)</sup> بنابراین برای مسلمانان محمد [ص] نمونه‌ای برین کمال و قهرمانی است.<sup>(۱۷)</sup> قانون اسلامی بر قرآن و سنت تکیه دارد. پیوند این دو را شریعت می‌نامند.<sup>(۱۸)</sup> اما پیچیدگی از این هم فراتر می‌رود. در طی سده‌ها فقهای مسلمان بر دو جنبه‌ی دیگر قانون نیز تأکید ورزیدند: اجماع و قیاس. این دو اساس آن چیزی است که اجتهاد نامیده می‌شود. فقه با تفاسیر گوناگون فقها از مذاهب مختلف فقهی کامل می‌شود. چون از حاکم مسلمان نمی‌توان انتظار داشت با مسائل بسیار دشوار تفسیر آشنا باشد، طبقه‌ی کاملی از انسان‌های حرفه‌ای، که سنتاً علما نامیده می‌شوند، به تفسیر، اشاعه و اجرای قانون اسلامی، آن‌گونه که در شریعت یا فقه آمده، پرداخته‌اند. شریعت و فقه دو ستون قانون اسلامی است که طی چهارده سده رشد کرده است؛ اما نکته‌ی مهم آن است که این دو لزوماً در تقابل با یکدیگر نیستند.<sup>(۱۹)</sup> انسان‌های اندیشمند و فرهیخته می‌توانند قانون را با استفاده از آداب و رسوم برای دوره‌ای فراگیر یا بخش خاصی از جهان تفسیر کنند، اما آنان باید بدون تخطی از مرزها و محدودیت‌های وضع شده در قانون الهی این تفسیر را انجام دهند. در حالی که غرب اکنون هر مفهومی از قانون الهی را کنار گذاشته، قانون اسلامی به آن پایبند مانده است؛ و این قلب تنش میان غرب و اسلام است. درون خود جهان اسلام فقدان یک قدرت مرکزی نیرومند برای داوری منجر به بسیاری برخوردها و مناقشات می‌شود.



نقشه ۱-۱. محل‌های اصلی سکونت مسلمانان در جنوب آسیا که اهمیت تاریخی دارند

## بافت جنوب آسیا

### توضیح شرایط

در متن این کتاب، واژه‌ی جنوب آسیا به سه کشور جدید هند، پاکستان و بنگلادش اطلاق می‌شود. کشورهای دیگری در جنوب آسیا وجود دارند، اما این کتاب به‌طور خاص به تاریخ مسلمانان در این سه کشور می‌پردازد. واژه‌ی «شبه‌قاره هند» معنی سیاسی ندارد و فقط توصیف منطقه‌ی جغرافیایی خاص تری در جنوب آسیاست که سه کشور

مذکور را در برمی گیرد. واژه‌ی هند در این کتاب به طور گسترده‌ای به دو مفهوم به کار می‌رود. نخست به تمدن و فرهنگ فراگیر در ناحیه‌ای با قدمتی چند هزار ساله اشاره می‌کند که اقوام بسیار گوناگون شبه‌قاره از طریق دین، هنر، ادبیات یا آداب و رسوم هویتی هماهنگ یافته‌اند. هند سیاسی ملتی نواست، اما هند فرهنگی تمدن منطقه‌ای باستانی است. دوم با ظهور قدرت بریتانیا از اواسط سده‌ی هجدهم، «هند»، همچنین یک واژه‌ی مشخص و شناخته شده در متون تاریخی و سیاسی سراسر دنیا شد. به علاوه، سده‌های زیادی مسلمانان واژه‌ی «هندوستان» را برای اشاره به ناحیه‌ای که ما درباره‌ی آن صحبت می‌کنیم استفاده می‌کردند.

واژه‌ی «تمدن اسلامی» عموماً به پیشرفت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست آمده توسط مسلمانان در روزهای اوج امپراتوری اسلامی تحت حکومت سلسله‌های اموی و عباسی بین سده‌های دوم تا چهارم / هشتم تا دهم اطلاق می‌شود. با این حال، چنان‌که پیش‌تر متذکر شدیم، در هر یک از مناطق جهان که نفوذ مسلمانان در طی آن دوره یا بعدها در آنجا گسترش یافت، چنین پیشرفت‌هایی تنها از طریق تعاملی ثمربخش بین اندیشه‌ها، ارزش‌ها، زیبایی‌شناسی و قدرت تخیل مسلمانان با همین مؤلفه‌های ساکنان بومی ممکن گردید. محصول نهایی همیشه التقاطی بود. این پدیده را می‌توان همچنین در مورد تمدن اسلامی که در جنوب آسیای سده‌ها گسترش یافته است، شاهد بود: این تمدن نمونه‌ی بومی شده‌ای است که به شکل منحصر به فردی توسعه یافته و می‌توان به حق آن را تمدن هندو اسلامی نامید.

واژه‌ی «قدرت» در عنوان فرعی به حکومت سلاطین مسلمان و والیان آنها بر نواحی متعدد جنوب آسیا در سده‌های بسیار اشاره دارد. اوج دوره‌ی نفوذ آنان از اواسط سده‌ی دهم / شانزدهم تا اواخر سده‌ی یازدهم / هفدهم است که طی آن چهار امپراتور بزرگ تیموری<sup>۱</sup> در عمل بر سراسر شبه‌قاره حکم راندند. سلطان و ملازمان او اساساً گروهی نخبه از قومی جنگجو از آسیای مرکزی بودند، با این همه اکثریت عظیم مسلمانان قدرتی افزون‌تر از دیگر گروه‌های جنوب آسیا نداشتند. با وجود این، فقدان قدرت به معنی فقدان حضور نبود. واژه‌ی «حضور» را در عنوان فرعی به کار می‌بریم برای ارجاع به شرایط مسلمانان در جنوب آسیا به طور عام، چالش‌های مذهبی و

۱. Mughal نام حکومت مغول‌ها در هند است. با توجه به این که ایرانیان قوم منگول را مغول می‌نامند، برای دوری از درهم‌آمیزی این دو واژه در ذهن خواننده‌ی ایرانی و نیز به این دلیل که پادشاهان مغول هند خود را تیموری می‌نامیدند در این کتاب به جای «مغول» از واژه‌ی «تیموری» استفاده شده است.

تنش‌های اجتماعی که آنان از درون یا بیرون با آن روبه‌رو بودند و اینکه چگونه برخی از آنان به اوج دستاوردهای فرهنگی و یا فکری دست یافتند. حضور مسلمانان در سراسر شبه‌قاره فراگیر است، می‌توان آن را در نواحی گوناگون و از نظر تاریخی مهم مشاهده کرد (نقشه ۱-۱). در هر بخش این کتاب کوششی صورت گرفته تا در بحث میان قدرت مسلمانان (یا فقدان آن) و حضور مسلمانان تعادل برقرار شود.

### تصحیح برخی بدفهمی‌های رایج

اکنون و هنگامی که تنش میان مسلمانان و غیرمسلمانان در بخش‌های زیادی از دنیا به سطح خطرناکی رسیده است، شاید بررسی برخی بدفهمی‌ها و مغلطه‌های عمومی درباره‌ی مسلمانان جنوب آسیا آموزنده باشد؛ بدفهمی‌هایی که از بی‌اعتنایی عمومی نسبت به واقعیت‌های تاریخی و جاری یا تعصب محض برخاسته است. در اینجا چهار نمونه از آن را مطرح می‌کنیم. نخست بنیان‌های آنها مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. منشأ اغلب آنها به زمان حمله‌ی ترکان و تیموریان می‌رسد. آنچه اغلب فراموش می‌شود آن است که مسلمانان با شبه‌قاره از آغاز اسلام رابطه و آشنایی داشتند. بسیار پیش‌تر از ورود ترکان، اسلام به‌طور غیرمستقیم توسط دریانوردان و تاجران عرب و ایرانی به هند وارد شده بود. اولین حمله‌ی ترک - افغان‌ها به اوایل سده‌ی پنجم / یازدهم بازمی‌گردد، اما قدرت آنها تا اوایل سده‌ی هفتم / سیزدهم کاملاً آشکار نشد. غلبه‌ی تیموری‌ها سه سده‌ی بعد اتفاق افتاد. دیگر آنکه باید توجه داشت تمام مسلمانان متجاوز نبودند. شبه‌قاره تعداد زیادی از بازرگانان، مهاجران اقتصادی، دانشمندان، هنرمندان و صنعتگران مسلمان را که برای آنان آنجا وطن همیشگی می‌گردید، جذب می‌کرد. از سوی دیگر، بسیار اشتباه خواهد بود اگر ادعا شود که بسیاری از مسلمانان امروزی در جنوب آسیا عمدتاً نوادگان مهاجرانند؛ زیرا اکثریت عظیم آنان عمیقاً در نژاد بومی شبه‌قاره ریشه دارند.

بدفهمی دیگر درباره‌ی آمارهای جمعیتی است. محافل اسلام‌ستیز، به ویژه در هند امروزی، اغلب در شمار مسلمانان مبالغه می‌کنند و ازدیاد آنان را به چند همسری نسبت می‌دهند. جمعیت مسلمانان هند، پاکستان و بنگلادش در سال ۲۰۰۹م، از سوی مؤسسه تحقیقات اجتماعی و جمعیت‌شناسی ایالات متحد آمریکا بر روی هم ۴۸۰ میلیون و ۳۳۹،۰۰۰ تن برآورد شد. این تعداد ۵/۳۰ درصد کل جمعیت مسلمانان جهان (۱،۵۷۱،۱۹۸،۰۰۰ تن) است. امروزه پس از اندونزی، پاکستان (با ۱۷۴ میلیون

مسلمان)، هند (با ۱۶۱ میلیون مسلمان) و بنگلادش (با ۱۴۵/۳ میلیون مسلمان) در رتبه‌های دوم، سوم و چهارم پرجمعیت‌ترین کشورهای مسلمان جهان قرار دارند<sup>(۴۰)</sup>. هند پس از استقلال به‌طور خاص یک کشور مسلمان نیست اما با ۱۳/۴ درصد مسلمان از ۱/۲ میلیارد جمعیت عظیم خود، حضور مسلمانان در آن پررنگ‌تر از آن است که بتوان آن را نادیده گرفت. در چند دهه‌ی اخیر، همراه با دیگر مردم جهان در حال توسعه، جمعیت مسلمانان در جنوب آسیا، به‌وضوح به‌سبب نرخ بالای تولد و نرخ پایین مرگ و پیشرفت‌های جدید پزشکی، رشد کرده است. این رشد را با پدیده‌ی چندهمسری نمی‌توان توضیح داد به‌ویژه آنکه میزان چندهمسری در میان مسلمانان هند از دیگر جوامع بالاتر نیست.<sup>(۴۱)</sup> با وجود افزایش چشمگیر جمعیت مسلمانان، واقعیت آن است که بیشترین سکنه‌ی جنوب آسیا، اکنون و همیشه، غیرمسلمان بوده‌اند؛ هرگز در هیچ دوره‌ای طی هزار و چهارصد سال اخیر، جنوب آسیا همانند دیگر کشورهای خاورمیانه، سرزمینی با اکثریت مسلمان نبوده است.

بدفهمی سوم مربوط به مسئله‌ی تغییر دین جمعیت غیرمسلمان است. اغلب و در بیشتر مواقع، در مباحث عمومی، یک فرض پذیرفته شده اما ناکفته وجود دارد که حمله‌کنندگان ترک یا افغان تمام کسانی را که از گرویدن به اسلام خودداری می‌کردند با خشونت به مرگ محکوم می‌کردند. از شواهد چنین چیزی را نمی‌توان نتیجه گرفت. بودند شماری از فرمانروایان مسلمان و والیان آنان که خشونت پیشه می‌کردند، اما آنان این خشونت را در قبال هر کسی که از وی متنفر بودند، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، نشان می‌دادند (فصول ۳ و ۴). اجبار در پذیرش اسلام توضیحی بسیار ساده‌انگارانه برای رشد اسلام در شبه قاره است. توضیحات دیگری وجود دارد. مثلاً قدرت پادشاهی مسلمانان می‌توانست به دو طریق نامحسوس و ظریف تأثیر بگذارد. نخست، برخی از هوشمندترین و جاه‌طلب‌ترین غیرمسلمانان می‌توانستند آینده و فرصت‌های زندگی خود را با مسلمان شدن بهتر کنند (فصل ۲، ۵ و ۶). خدمت آنان به حاکمان مسلمان بسیار پرارزش بود. دوم، حاکمان مسلمان اغلب غیرمسلمانان را از راه مستثنی کردن آنان از پرداخت جزیه و خراج به پذیرش اسلام سوق می‌دادند، هر چند شایان ذکر است که، در عمل، برای بیشتر والیان ارزش در آمد حاصل از این مالیات‌ها بیشتر از خشنودی حاصل از اسلام آوردن رعایای غیرمسلمان بود. علت عمده‌ی گرویدن به اسلام در مقیاس بزرگ در تلاش‌های سه‌گروه نهفته است: دریانوردان، تجار و مبلغان. دو گروه اول که بیشتر عرب و ایرانی بودند، به‌گسترش و ازدیاد نفوذ مسلمانان در سراسر خط ساحلی

هند در طی چهارصد سال پیش از حضور ترکان کمک کردند (فصل ۲). مبلغان، عمدتاً صوفیان، نیز نقش بزرگی در سراسر هند ایفا کردند؛ شفقت و عقل سلیم آنان، برگرفته از اسلام، شمار عظیمی از مردمان چادرنشین و جنگل‌نشین و کاست‌های پایین تر هندو را جذب کرد. حتی امروزه آرامگاه‌ها و بقعه‌های «پیران» صوفی مکان‌های مقدس زیارتی برای بسیاری از غیرمسلمانان است (فصل‌های ۳، ۴ و ۸).

سرانجام، مسئله‌ی دردسرساز اتحاد و گوناگونی در داخل جامعه‌ی مسلمان در جنوب آسیا است. غیرمسلمانان بسیاری اغلب بر این باورند که مسلمانان جامعه‌ای کاملاً همگن و یکپارچه دارند. این باور تا آنجا صحیح است که مسلمانان از نمونه‌ی یگانه‌ی زندگی پیامبر و عبادات و اعمال او پیروی می‌کنند. در بسیاری جنبه‌های دیگر، آنان مردمی متفاوتند. بین آنان به لحاظ قومیت، زبان، ویژگی‌های فرقه‌ای، طبقه، تحصیلات، شغل و ثروت جدایی وجود دارد (فصل ۵ و ۸). یک نمونه از ناهمگنی مسلمانان اغلب توسط پیروان نهضت پاکستان دیده می‌شد، کسانی که بر اندیشه‌ی مسلمانان به عنوان یک ملت جدا و نیاز آنان به داشتن وطنی از آن خود پافشاری می‌کردند (فصل ۱۰). این اندیشه اساساً نادرست بود، چنان‌که در سال ۱۹۷۱ وقتی که جدایی خشونت‌بار میان مسلمانان پاکستان کشور را به دو قسمت تقسیم کرد روشن شد (فصل ۱۱).

### مراحل اقتدار مسلمانان

در اوایل سده دوم / هشتم م، هند ترکیب رنگارنگی از شاهزاده‌نشین‌های بزرگ و کوچک بود. شاهزاده‌نشین‌های شمال از خاکسترهای دولت هندوی بزرگی برخاسته بودند که به شاهنشاهی گوپتاها (۳۲۰ تا ۵۵۰ م) معروف بود. قلمرو پادشاهی هندو - بودایی سند اولین و تنها قلمرو پادشاهی بود که مهاجمان عرب آن را فتح کردند (۹۳ / ۷۱۱). از آن هنگام به بعد به مدت تقریباً سیصد سال، حاکمان سند سرداران عربی بودند که نخست خلفای اموی در دمشق و سپس خلفای عباسی (از ۷۵۰ به بعد) در بغداد آنان را برمی‌گزیدند. بی‌ثباتی سیاسی در خلافت عباسی طی سده‌های سوم / نهم و چهارم / دهم به انتقال قدرت در سند به اسماعیلیان شیعی و عرب‌های سیندهای محلی منجر شد که خلیفه در بغداد را نادیده می‌گرفتند (فصل ۲).

مرحله‌ی بعدی موج مهاجرت در سال ۳۹۱ / ۱۰۰۰ با یورش جنگاوران ترک - افغان، نوادگان غلامان ترک آسیای مرکزی که در دربارهای عباسی و دیگر پادشاهی‌های اسلامی در ایران و افغانستان بسیار مورد توجه بودند، آغاز شد. بسیاری از

این غلامان بعدها فرماندهان لشکر شدند و گاهی اوقات خود قدرت را به دست گرفتند. یکی از این جنگاوران که حمله به هند را آغاز کرد محمود سلطان غزنه در افغانستان بودند. جانشینان او در سلسله‌ی غزنوی قلمروی را در اختیار گرفتند که امروزه افغانستان، پاکستان، بلوچستان، پنجاب و سند را شامل است. با این همه، سرانجام، این نیروهای مسلح سلسله‌ی رقیب آنها یعنی غوریان از غور افغانستان بودند که بخش‌های وسیعی از شمال هند را تا آخر سده‌ی ششم / دوازدهم تسخیر کردند (فصل سوم).

تصمیمات کلیدی‌ای که بر غزنویان و غوریان اثر می‌گذاشت، اساساً در افغانستان گرفته می‌شد؛ اما در سال ۱۲۰۶/۶۰۳ تحولی مهم رخ داد. در این تاریخ و به هنگام مرگ رهبر غوری، سرداران اصلی او تصمیم گرفتند بدون مشاوره با صاحبان قدرت در غزنه یا غور امور هند را اداره کنند.

بدین ترتیب سلسله‌ی غلامان در سال ۱۲۰۶/۶۰۳ تأسیس شد که چهار سلسله‌ی دیگر در پی آن آمدند؛ و با یکدیگر آنچه را که «سلطنت دهلی» (۶۰۳-۹۳۳ / ۱۲۰۶-۱۵۲۶) نامیده می‌شود، تشکیل دادند. سلاطین دهلی ریشه‌ی ترک - افغان داشتند، اما تقریباً همه در هند زاده شده و پرورش یافته بودند. آنان طبقه حاکم بیگانه یا استعمارگر نبودند. نوادگان مهاجران پس از یک یا دو نسل، دیگر مهاجر به حساب نمی‌آمدند. ترک - افغان‌ها نیروی نخعی عمده درون سلطنت دهلی باقی ماندند، اما به‌طور فزاینده‌ای، باگذشت زمان، منافع افغانستان از هند آغاز به جدا شدن کرد. سلطنت دهلی به قدرت بزرگ پادشاهی در هند تبدیل شد و تا اوایل سده‌ی هشتم / چهاردهم، نفوذش به ماورای هندوگنگ، ناحیه‌ی مرکزی جنوب هند، رسید. سرانجام، اضمحلال آن به واسطه مجموعه‌ای از شورش‌های منطقه‌ای در اواخر سده‌ی هشتم / چهاردهم و سده‌ی نهم / پانزدهم فرارسید (فصل ۴ و ۵).

قدرت مطلقه‌ی تیموری را بابر، جنگاور ازبکی در افغانستان بنیان نهاد، دوران طلایی اقتدار را در سده‌های نهم و دهم / شانزدهم و هفدهم سپری کرد. مرحله‌ی طولانی سقوط و اضمحلال آن از دهه‌ی ۱۰۲۰ / ۱۶۸۰ آغاز شد و با تبعید آخرین امپراتور این سلسله توسط بریتانیا به پایان فاجعه‌بار خود رسید. امیرنشین‌های منطقه‌ای مسلمان و غیرمسلمان پس از تیموریان توانستند تا نیمه اول سده‌ی دوازدهم / هجدهم با بازی میان دو قدرت بزرگ اروپایی، فرانسه و بریتانیا، که در جستجوی تسلط استعماری بر شبه‌قاره بودند، دوام بیاورند. پس از شکست فرانسه در دهه‌ی ۱۱۶۰ / ۱۷۵۰، بریتانیا تنها قدرت اروپایی مطرح بود. از آن هنگام به بعد، به تدریج در طول بیش از چند

دهه، کمپانی هند شرقی به عنوان قدرت برتر ظهور کرد (فصل ۷ و ۸).

در تمام مراحل دوره‌ی فتودالی و پیشامدرن، نفوذ و سلطه مسلمانان بر شبه‌قاره بر پنج عامل حیاتی متکی بود. نخست شخصیت و فرمانندی شخص حاکم بود. فرمانروایان ضعیف، بی‌اراده و یا متلون برای خود و نیز قلمروی که بر آن حکومت می‌کردند، ویرانی به ارمغان می‌آوردند (فصل ۴). آنان به انواع سلطنت مشروطه‌ی امروزی اعتقادی نداشتند. دوم سپاه و فرماندهان آن بود. سوارکاران ترک و سربازان مقاوم از افغانستان و آسیای مرکزی موجب غلبه حکام ترک - افغان بر هند شدند. ابقای توازن صحیح نیروها بین سواره‌نظام و پیاده‌نظام بر کیفیت و مهارت نزدیک‌ترین فرماندهان سلطان متکی بود. اولویت سلطان اطمینان از حفظ منافع سرداران و پاسخگویی به نگرانی‌ها و ملاحظات آنها بود. هر چند دست‌کم از سده‌ی دهم / شانزدهم به بعد توسط سپاه از توپ‌خانه استفاده شد، اما در اوایل سده‌ی سیزدهم / نوزدهم فقدان سرمایه‌گذاری در تحقیق در زمینه‌ی فن آوری نظامی، سپاه هند را در مقایسه با نیروهای اروپایی در وضع نامطلوبی قرار داد. عامل سوم دیوان‌سالاری کارآمد بود. سلاطین مسلمان هند نظام دیوانی ایرانی را به کار گرفتند نظامی که ساسانیان کامل کرده و نخستین امیران غزنوی به هند آورده بودند (فصل ۳). امپراتور مغول، اکبر، این نظام را از طریق سامانه‌ی رتبه‌بندی خدمات نظامی و اداری ارتقاء داد. سامانه‌ای که «منصب‌داری» نام داشت (فصل ۶) و کاربرد آن بیش از یک سده ادامه یافت. عامل چهارم که به سه عامل نخست بستگی داشت، مالیه‌ی سالم بود. گردآوری توانمندانه‌ی عواید زمین مسأله‌ای حساس در جامعه‌ای اساساً ماقبل صنعتی بود (فصل‌های ۴ و ۶). آخرین و پنجمین عامل که برای موقعیت سلطنت مسلمانان در دوره طولانی نزدیک هشت سده مؤثر بود، قابلیت این حکومت برای جلب پاسخ مثبت اکثریت جمعیت غیرمسلمان شبه‌قاره بود که با پیروی از هنجارهای نهادینه‌ی عدالت که هم فرمانروا و هم رعایا می‌فهمیدند، ممکن می‌شد.

### درک درون‌فرهنگی

در هزاره‌ی نخست میلادی، هند در صف مقدم تمدن‌های جهان قرار داشت. در زمانی که [حضرت] محمد[ص] نخستین آیات وحی را دریافت می‌کرد، هند‌زبان‌شناسان، دستوردانان، ریاضی‌دانان، منجمان، پزشکان و معماران متعدد داشت. نخستین عرب‌های مسلمان که سرشار از کنجکاوی و مشتاق یادگیری بودند، در دربار خلیفه‌های

عباسی در بغداد، طی دوران طلایی اسلام بین سده‌های دوم تا چهارم / هشتم تا دهم، از هندی‌ها استقبال می‌کردند. سند شاهراهی بود که رفت و آمد فرهنگی بین بغداد و هند در آن جریان داشت؛ و نخستین حاکم عرب سند ابایی از اهل کتاب نامیدن هندوها و بودایی‌ها نداشت (فصل ۲).

سرداران و سربازان ترک که از سال ۳۹۰ / ۱۰۰۰ به بعد به شمال هند رسیده بودند، اساساً مردمی چادرنشین بودند که شناخت آنان از هند و فرهنگ آن در ابتدا محدود بود. این وضع هنگامی تغییر کرد که آنان به روش‌های تغییرناپذیر کشاورزان بومی هند توجه کردند، کسانی که کار طاقت‌فرسای آنها روی زمین چنین ثروت فراوانی تولید می‌کرد. آنان همچنین گوناگونی غنی اصناف و حرفه‌های هندی را که در اثر شبکه‌ی پیچیده‌ای از روابط خویشاوندی و توافقی‌های طبقاتی رونق یافته بود، تمجید می‌کردند. با وجود پیروزی نظامی، ترک‌ها ناگزیر بودند خود را با واقعیت‌های هند منطبق سازند و در طی زمان با جامعه‌ی هند یکی شوند. این روند با در نظر گرفتن این واقعیت که غزنویان و غوریان به شدت تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بودند، و پیوندهای ایران و هند به زمانی بسیار قدیم تر بازمی‌گردد، آسان تر می‌شد.

حمایت سلطنتی یکی از عوامل مهم در اشاعه درک میان فرهنگی بود، به ویژه در مراکز شهری که در آنجا قدرت و حضور مسلمانان بسیار چشمگیر و قابل توجه بود. خردمندترین سلاطین ترک - افغان، شاهزادگان محلی و امپراتوران تیموری، نخبگان و متخصصان را از ایران، آسیای مرکزی و قسمت‌های دیگر خاورمیانه به اقامت در هند و سهم شدن در تعالی فرهنگ آن دعوت می‌کردند. به این ترتیب بود که سبک هندو اسلامی در هنر، معماری، ادبیات، موسیقی و زیبایی‌شناسی پدید آمد. تولیدات جدید و فن‌آوری‌های کشاورزی از سرزمین‌های اسلامی دیگر وارد می‌شدند و هند را غنی می‌کردند. سبک لباس پوشیدن و آشپزی نیز در معرض تغییر بودند. باید یاد آور شد که حمایت سلطنتی محدودیت دینی نداشت. هندوها و غیرمسلمانان با مهارت‌ها و توانایی‌های گوناگون در کارگاه‌های سلطنتی بدون هیچ تبعیضی به کار گرفته می‌شدند (فصل ۶). اسرار محرمانه مالی تیموری‌ها اغلب در دست‌های حسابداران هندو بود.

شکل دیگر درک میان فرهنگی از طریق کوشش‌های مبلغان صوفی در روستاها صورت پذیرفت. پیش‌تر به نقش آنان در اسلام‌پذیری شمار زیادی از مردم کاست‌های پایین و به حاشیه رانده شده‌ها در بخش‌های مختلف هند اشاره شد. آنچه اغلب به حساب نیآورده‌اند، توانایی آنان در همدمی با پیروان آیین هندو و گفت‌وگو با آنها و

جستجوی سازگاری و تفاهم بین اندیشه‌های دینی بود. این همدلی پاسخ مثبتی از فرزندان هندو دریافت کرد. بسیاری از نهضت‌های درون دینی در هند سده‌های میانه بدون رویارویی صوفی‌ها و هندوها پدید آمد (فصل ۵). برخلاف متکلمان متشرع، صوفیان نرمش نشان می‌دادند، آنها با کسانی که مسلمان شده اما نتوانسته بودند آیین‌ها و سنن پیشین خود را رها کنند با رواداری روبه‌رو می‌شدند (فصل ۷). از این رو حتی امروزه در شبه‌قاره می‌توان شاهد بود که مسلمانان ناخودآگاه بسیاری از آیین‌های اسلاف هندوی خود را دنبال می‌کنند. این تنوع بخش جدایی‌ناپذیر جامعه و فرهنگ مسلمانان شبه‌قاره است و نمی‌توان آن را از میان برد.

### چالشی برآمده از غرب

در سده‌های دهم و یازدهم / شانزدهم و هفدهم تیموریان آن‌قدر قدرتمند بودند که بتوانند جاه‌طلبی‌های کشورهای دریایی غربی نظیر پرتغال، هلند، فرانسه و بریتانیا را تنها به حوزه‌ی تجارت محدود کنند. با سقوط تیموریان در سده‌ی دوازدهم / هجدهم، جاه‌طلبی‌های ارضی فرانسه و بریتانیا مطرح شد. در ربع سوم آن سده بریتانیا تنها قدرت اروپایی حائز اهمیت بود. نقش دوگانه کمپانی هند شرقی به عنوان شرکت تجاری و نیز قدرتی دارای اراضی وسیع چیزی بود که طبقه‌ی حاکمه‌ی مسلمان (و هندو) در هند باید می‌آموختند که به آن عادت کنند. شکست نیروهای ضد بریتانیا در نافرمانی بزرگ در سال ۱۲۷۳ / ۱۸۵۷ نقطه پایان نهایی بر قدرت مستقل مسلمانان در شبه‌قاره بود (فصل ۸). با این همه پیچیدگی موقعیت مسلمانان از سرنوشت حاکمانشان فراتر رفت. افزون بر بازی قدرت، جنگ فرهنگی نیز در شبه‌قاره جریان داشت. بریتانیایی‌ها به عنوان پیشگامان دانش غرب اندیشه‌های علمی و نگرش‌های نوین اجتماعی و فرهنگی، انقلابی فرهنگی را آگاهانه یا ناآگاهانه آغاز کرده بودند که پیامدهای بسیار تکان‌دهنده‌ای داشت. پاسخ مسلمانان به این چالش به دو صورت رخ نمود: یکی نهضتی برای اصلاح و احیای اسلام (فصل‌های ۷ و ۸) و دیگری پذیرش مدرنیته‌ی غربی و قبول آموزش و پرورش غربی (فصل‌های ۸، ۹ و ۱۰). هر دو پاسخ ضعف‌ها و قوت‌های خود را داشت، اما علائق مشترک و منطبق برهم نیز وجود داشت، از جمله اینکه کسانی که خواهان اصلاحات دینی بودند به هیچ وجه در پی دستیابی به قدرت سیاسی نبودند. تا پایان سده‌ی نوزدهم، مسلمانان و هندوها اعتماد به نفس خود را باز یافتند و برای مبارزه با حکومت استعماری آماده شدند. متأسفانه، مبارزه ضد استعماری در دهه‌های پایانی

حکومت استعماری در اثر نیاز مسلمانان به حلِ معضلِ عذابِ آور اتحاد یا تجزیه منحرف شد (فصل ۱۰).

### پس از استعمار

جدایی مسلمانان جنوب آسیا در دو مرحله رخ داد: بر اثر پدید آمدن پاکستان در سال ۱۹۴۷ و تجزیه پاکستان در ۱۹۷۱-۱۹۷۲ سرنوشت آنان در سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش متفاوت بود (فصل ۱۱). در هند، در حالی که مسلمانان با تبعیض پنهانی در استخدام و نیز خصومت آشکار و گاه به گاه از سوی راستگرایان هند و روبه رویند، از امتیازهای کامل نظام پارلمانی و دموکراتیک کاملاً نهادینه شده بهره مندند. شرکت فعالانه و پرثمر مسلمانان در تمام جنبه‌های زندگی در هند به آنان موقعیت یگانه‌ای از قدرت و سهم ارزشمندی در توسعه‌ی آینده کشور داده است. برعکس، جمعیت مسلمانان پاکستان با تمام زیان‌های ناشی از فقدان دموکراسی اصیل و جاه‌طلبی‌های غیرواقعیانه‌ی سیاسی و نظامی حاکمان کشور خسته و فرسوده شده است. امیدهای سال ۱۹۴۷ به شکلی خشن از میان رفته است. هر چند بنگلادش اکنون رسماً دارای دموکراسی است، آینده آن به سبب مشکلات اقتصادی متعدد و نومیدکننده، نامشخص باقی مانده است. میلیون‌ها دهقان در دلتای گنگگ به سبب بالا آمدن آب دریاها با آینده‌ای تیره روبه رویند.

### تاریخ‌نگاری و منابع مطالعه

منابع دست اول دانش ما درباره تاریخ مسلمانان پیش از تیموریان در جنوب آسیا، آثار و گزارش‌های تاریخی به جا مانده از مورخان سده‌های میانه است. کسانی نظیر بلاذری (م. ۸۹۲/۲۷۹)، ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۸۰/۹۹۵-۱۰۷۷)، علی الکوفی، منهاج‌الدین بن سراج‌الدین جوزجانی و ضیاء‌الدین برنی (۶۸۴-۷۵۸ / ۱۲۸۵-۱۳۵۷)<sup>(۲۲)</sup> شمار بسیاری از نسخه‌های خطی فارسی برجا مانده‌ی نوشته‌ی اینان و دیگر نویسندگان در هشت جلد مفصل به انگلیسی ترجمه شده است. دو محقق انگلیسی سده‌ی نوزدهم، سر هنری میرز الیوت<sup>۱</sup> (۱۸۰۸-۱۸۵۳) و پروفیسور جان داوسن<sup>۲</sup> (۱۸۲۰-۱۸۸۱) این مهم را به انجام رساندند. این دو در دوره‌ی اوج برتری قدرت

1. Sir Henry Miers Elliot

2. John Dowson

بریتانیا در هند می‌زیستند. مطالعه‌ای دقیق در مقدمه‌ی اصلی الیوت در نخستین جلد این اثر نشان‌دهنده‌ی نخوت امپریالیستی وی در تجزیه و تحلیل ضعف‌های مورخان سده‌های میانه است.<sup>(۲۳)</sup> با این همه، این نقاط ضعف رانمی‌توان نادیده‌انگاشت و آنها را در استفاده از تاریخ‌نگاری‌های مسلمانان سده‌های میانه در جنوب آسیا باید در نظر گرفت. به سبب روایت طولانی و ملال‌انگیز اعمال و جنگ‌های تک‌تک سلاطین، فقدان تحلیل جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی، سرسپردگی و اطاعت بی‌چون و چرا از اسلام، مدهانه‌ی چاپلوسانه، خصومت کلی و لحن تفاخرآمیز نسبت به غیرمسلمانان، ارزش این آثار ناشناخته مانده است و با وجود این ضعف‌ها باید آنها را در نظر گرفت و قدر شمرد، زیرا بدون این تاریخ‌ها ما جز برخی تاریخ‌هایی که به دست مورخان خارجی نوشته شده‌اند یا قطعاتی از اسناد و مدارک دولتی منبعی برای اتکا نداشتیم. تلاش‌های سخت و پیگیر الیوت و داوسن گواهی بر سودمندی هر چند محدود تاریخ‌های قدیم است.

برخلاف این دوره‌ی اولیه، از دوره‌ی تیموری منابع گوناگون اطلاعات در دسترس است.<sup>(۲۴)</sup> خودزندگی‌نگاری‌های صمیمانه‌ی امپراتوران بابر و جهانگیر، وقایع‌نامه‌ی اکبرنامه و کتاب تکمیل‌کننده‌ی آن، آیین اکبری، نوشته ابوالفضل، مشاور اصلی اکبر و مورخ دربار به ما درباره‌ی دربار، دیوان و اقتصاد تیموری اطلاعات کاملی می‌دهد. اگر به این منابع گزارش‌های دولتی، خاطرات و شرح حال‌های اشراف و منصب‌داران، و آثار دو مورخ معروف، فرشته و بدائونی، را بیفزاییم، صاحب حجم مفصلی از مواد تاریخی دست اول از دوره‌ی تیموریان خواهیم بود (فصل ۶). هر چند تمام این مدارک به فارسی و گاه به ترکی است، مهم‌ترین آنها در دو سده‌ی گذشته به انگلیسی ترجمه شده است. دامنه‌ی این منابع با گزارش‌های گوناگون و سفرنامه‌های دیدارکنندگان اروپایی از هند در سده‌های یازده / شانزده و دوازده / هفده گسترده‌تر می‌شود و به سبب گوناگونی شواهد، دستیابی به اطمینان تاریخی نسبتاً آسان است.

از اواخر سده‌ی هجدهم میلادی به بعد، دو مکتب مجزای فکری بر آثار انگلیسی درباره هند، تأثیر نهاده است. یکی از این دو، مکتب معروف به شرقشناسی است، که پیشگام آن سر ویلیام جونز<sup>۱</sup> (۱۷۴۶-۱۷۹۴) بود. این مکتب در رویکرد به تاریخ و تمدن هند دوستدار هند بود و پژوهشگران پیر و آن چیزهای زیادی از تاریخ باستانی هند